

نقش اجتهاد در اسلام

«قسمت دوم»

علامه عبدالحکیم عثمانی

مدرس دارالعلوم زاهدان

اسلام
نمای

شماره ۱۴ • تابستان ۸۲

۵۷

مدیریت و سرپرستی خانواده:

با توجه به مباحث شماره قبل (۱۱) موضوع سرپرستی و مدیریت در خانه یکی از موضوعاتی است که در زندگی اجتماعی غیر قابل انکار و الزامی می باشد. سنت الهی در زندگی اجتماعی و همینطور واقعیتهای موجود، حاکی از آن است که جوامع هر چند کوچک و مختصر باشند، وجود مدیریت در آنها الزامی است.

کانون خانواده که نمادی از یک زندگی اجتماعی است و هسته های اولیه اجتماع بزرگ در آن شکل می گیرد و آینده زندگی اجتماعی نسلهای بعدی به صلاح و خیر آن منوط می باشد، جهت تنظیم، رشد، شکوفائی، سعادت، و تحقق دست آوردهای مفید و مطلوب، وجود مدیریت در آن امری است غیر قابل انکار.

اگر مقداری منصفانه و واقع بینانه موضوع مدیریت و سرپرستی مرد را در خانه ریشه یابی نماییم، در فطری بودن، و طبیعی و بدیهی بودن آن تردید نخواهیم نمود، زیرا کمتر اداره و شرکتی در دنیا یافته می شود که اعضای آن پیش از یک فرد باشند و آن اداره دارای مدیر و مسئولی نباشد تا جهت تسهیل و تنظیم امور اداره و شرکت مزبور نظارت داشته باشد.

مدرسه، دانشگاه، اداره، شرکت و غیره از این قانون مستثنی نیست، بنابراین در مورد کانون خانواده و زندگی مشترک که بعضاً دارای افراد زیادی می باشد و درآمد آن همواره در حال تغییر و ارتباطات و وابستگیهای آن با خارج از کانون خانواده پیچیده و

وسیع می باشد و شعبه های مابیه الإشتراک آن هرگز قابل مقایسه با اداره ها و کانونهای فرهنگی و تجاری نمی باشد، چگونه امکان دارد بخش مدیریت و سرپرستی آن نادیده گرفته شود؟

اسلام از آنجائیکه فرامینش همسو با فطرت و سنن طبیعی زندگی می باشد، ضمن اینکه بر این بخش از زندگی تأکید فراوان دارد و حفاظت و مصونیت کانون خانواده را مستلزم محفوظ ماندن بخش مدیریت آن می داند، این مسئولیت را به عهده مرد می گذارد و با صراحت تمام اعلان می دارد:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ. فَالصَّالِحَاتُ قَنَاطٌ يَدْعُونَ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^(۱)؛ مردان بر زنان سرپرستند بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتریهای بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که از اموال خود (برای خانواده) خرج می کنند. پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشتن را از زنا بدور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ) و اسرار (زناشویی) را نگاه می دارند. چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است.

با نگرشی در آیه فوق ضمن اینکه به علل مدیریت مرد اشاره شده است که ذیلاً به توضیح آن خواهیم پرداخت، تعبیر «قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» بیش از هر

✓ اگر

مقداری

منصفانه و

واقع بینانه

موضوع مدیریت

و سرپرستی مرد

را در خانه

ریشه یابی

نماییم، در فطری

بودن، و طبیعی و

بدیهی بودن آن

تردید نخواهیم

نمود.

چیز دیگر جلب توجه می نماید و ماهیت و دائره مدیریت مرد را مشخص می نماید.

استاد نورالدین عتر می فرماید: مفهوم «الرجال قوامون على النساء» دیکتاتوری و تسلط بی قید و شرط مرد بر زن نیست. «قوامون» از ریشه «قوام» به معنای اصلاح شیء و جهت دادن درست آن می باشد. در آیه «و لا تؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً»^(۱) به همین معنا اشاره دارد، یعنی اموالی که صلاح امور و صلاح زندگی شما در آن است، اگر چنانچه این اموال تلف شوند نظام درست زندگی شما مختل می شود.

بنابر این «الرجال قوامون» یعنی تسلطی که در راستای اصلاح و جهت دادن درست باشد، و اگر چنانچه این تسلط از حدود اصلاح تجاوز نمود، فرد مزبور ظالم و بدکردار محسوب می شود»^(۲).

پس دایره ای مدیریت و سرپرستی مرد، در مصلحت کانون خانواده، رعایت او امر الهی و رعایت حقوق زن منحصر می باشد و به همین دلیل است که مرد نمی تواند از موقعیت مدیریت خویش سوء استفاده نموده و در حقوق مالی زن بدون رضایتش دخالت نماید و از آن طرف زن نیز جز در دایره ای شرع، ملزم به اطاعت از شوهر نمی باشد. با این توضیح روشن گردید، که مهمترین بخش مسئولیت مرد در مدیریتش، حفظ قوانین خانواده است تا کانون خانواده دچار هرج و مرج و فروپاشی نگردد و بهترین شوهر از دیدگاه رسول اکرم ﷺ آن کسی است که در زندگی زناشویی بهترین معاشرت را با زنش دارد و مشکلات وی را با حکمت و روشهای درست، مدارا و ملایمت، عطف و مهربانی حل نماید: «اکمل المؤمنین ایماناً، احسنهم خلقاً و خيارکم خيارکم لئسائه»^(۳).

مدیریت مرد در خانه و عوامل آن:

۱- برتری طبیعی جسمی: مقاومت و صلابت مرد در برابر ناملایمات و ناهنجاریهای زندگی و استقامت وی در برابر مشکلات یکی از عوامل مدیریت وی می باشد.

علاوه بر انسان در زندگی سایر موجودات نیز برتری بدنی و صلابت جسمی در احراز نقش

مسئولیت و مدیریت، ملحوظ می باشد. و از آنجائیکه مدیر خانواده مسئولیت حفاظت کانون خانواده را در برابر تهاجمات بیرونی به عهده دارد و جهت رفع مشکلات زندگی باید با گرما و سرمای طبیعت و با کارهای سخت و دشوار دست و پنجه نرم نماید و پاسخگویی مشکلاتی باشد که گاهاً بر خانواده تحمیل می شود، مقتضی آن است تا مرد که طبعاً دارای نیروی بیشتری نسبت به زن می باشد، این مسئولیت را عهده دار باشد.

بر عکس، ظرافت و انعطاف پذیری زن و عدم استقامت در برابر مشکلات کمر شکن زندگی، مستلزم آن است تا بیش از مسئولیت تربیت فرزندان و گرم نگه داشتن کانون خانواده، مسئولیت دیگری بر عهده وی گذاشته نشود.

۲- برتری عقلی و فکری: آن گونه که در بحث تفاوت های ساختاری مرد و زن در شماره های قبلی گذشت، مردان همواره عملی تر و عاقلانه تر می اندیشند و بر عکس، خانمها تابع احساسات و عواطف می باشند و از دوراندیشی و تجزیه و تحلیل عمیق و کافی برخوردار نیستند. و این در حالیست که قضاوت عاقلانه و سازماندهی مفید در اداره خانواده یکی از وظائف مهم مدیر می باشد. و روی این اصل است که اسلام نیز بر نارسائی عقلی زنان علی وجه العموم نسبت به اغلب مردان اشاره نموده است و پیامبر اسلام در مورد زنان «ناقصات عقل و دین»^(۴) فرموده است.

۳- بر دوش داشتن نفقات و مخارج زندگی: آن طور که در آیه «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم»، ضمن اشاره بر سایر برتریها و عوامل مدیریت مرد در خانواده، بر این نکته «و بما انفقوا من اموالهم» تصریح شده است. و تهیه مخارج زندگی که بر دوش مرد می باشد، یکی از عوامل مدیریت وی بر خانواده بیان شده است.

بدیهی است که در اسلام تهیه مخارج زندگی و

✓ مقاومت و صلابت مرد در برابر ناملایمات و ناهنجاریهای زندگی و استقامت وی در برابر مشکلات یکی از عوامل مدیریت وی می باشد.

۱- نساء: ۵

۲- حمل المرأة و اختلاطها، دکتر نورالدین عتر، ص: ۱۲۵.

۳- رواه الترمذی، و قال حدیث حسن صحیح.

۴- الصحیح البخاری، کتاب البیض.

فراهم نمودن نفقات زن و فرزند به عهدهٔ مرد می‌باشد و مرد موظف است، ضروریات زندگی زن را تأمین نماید، ناگزیر در برابر این مسئولیت، مدیریت خانواده به وی اختصاص داده می‌شود، تا به اصل «الغنم بالغرم» که برخورداری از امتیازات وابسته به مقدار تحمل خسارت است، هم صادق آید.

از طرفی دیگر مردی که در بیرون از خانواده به داد و ستد مشغول است و یا بایل و کلنگ جهت تأمین هزینهٔ زندگی عرق جبین می‌ریزد، گاهی در مزرعه و گاهی در دشت و دمن به کشاورزی و دامداری سرگرم است، هنگام دست و پنجه نرم کردن با مشکلات زندگی پاسخگوی چکهای برگشتی است و از طرف قانون مورد تعقیب قرار می‌گیرد، دور از انصاف خواهد بود که برای تصمیم‌گیری در ادارهٔ زندگی، نقش مدیریت و مسئولیت از وی سلب شود و نتواند تصمیم نهائی را انتخاب نماید و بر عکس تصمیم‌گیری نهائی به عضوی از خانواده سپرده شود که کمتر مورد هجوم مشکلات زندگی بوده و رنجهای کمتری در این زمینه تحمل کرده است.

بنابراین گزافه گوئی نخواهد بود اگر بگوئیم: «اغلب مشکلاتی که امروز در زندگی زناشویی افراد وجود دارد، زائیدهٔ این جا به جایی و نتیجهٔ سلب نقش مدیریت مرد در خانه می‌باشد.»

باید توجه داشت که اسراف‌های نادرستی که خانمها بدون رضایت مردان بر خانواده تحمیل می‌کنند و به خاطر عقب نماندن در رقابتها و چشم‌هم‌چشمیهای نامعقول زندگی، هزینه‌های هنگفتی را صرف می‌نمایند و در این راستا فرصت اندیشیدن در مورد رنجها و زحماتی که در راه کسب و بدست آوردن این هزینه‌ها شده است را ندارند، یکی از عواقب شوم این فطرت ستیزی است، ضمن اینکه این امر موجبات خشم و تنفر مرد را که خود امری است طبیعی در برابر تصرفات نامعقول زن، به وجود می‌آورد، سرانجام منجر به از بین رفتن صفا و صمیمیت در زندگی می‌شود.

۴- تفاوت‌های ساختاری جسمی مرد و زن: تردیدی وجود ندارد که ساختار جسمی زن به گونه‌ای است

که استعداد دریافت نطفه، باروری، گذراندن دوران حمل، وضع حمل، گذراندن دوران شیرخوارگی کودک و تربیت آن را، دارد.

گذراندن مراحل فوق طبعاً برای هر زن خانه‌دار وجود دارد، ضمن اینکه وظایفش را تعیین می‌کند. ناگزیر مانع فعالیت وی در خارج از وظایفش می‌باشد و به وی اجازه نمی‌دهد تا سرپرستی منزل را که خود مسئولیت سنگینی است در هنگام وجود شوهر به عهده گیرد. زیرا زنی که به طور طبیعی در هر ماه باید دوران قاعدگی را بگذراند، در آن ایام علاوه بر احساس دردهای متفاوت در اکثر اعضاء بدن به خصوص سر، شکم و کمر، باعث اختلالات فکری و عصبی وی نیز می‌شود و زنان در این دوران از نظر فکری و روانی متعادل نیستند.

همینطور دوران حاملگی زن با ضعف و سستی، اختلالات دستگاه گوارش و تنفس که منجر به تهوع و تنگی نفس می‌شود، آغاز می‌گردد، و در ماه‌های آخر در وضعیتی قرار می‌گیرد که تحرک و انتقال برایش قابل تحمل نمی‌شود. و به چنان دردهای شدیدی دچار می‌گردد که زندگی‌اش حالت طبیعی و عادی ندارد و به همین دلیل است که خداوند متعال از این دوران رنج و زحمت مادر، به عنوان ممت بر فرزند اینگونه یاد می‌نماید: «و وصیاً الإنسان بوالديه حملته امه وهنأ علی وهن و فصاله فی عامین، أن اشکر لی و لوالدیک الی المصیر»^(۱)؛ ما به انسان در مورد پدر و مادرش سفارش کرده‌ایم (بویژه مادر) که بدو حامله شده است و هر دم به ضعف و سستی تازه‌ای دچار آمده است، پایان دوران شیرخوارگی او دو سال است (لذا به انسان توصیه ما این است) که هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادرت باش.

گذراندن دوران نفاس نیز یکی از مراحل سختی است که زن در آن دوران اکثر خون بدنش را از دست می‌دهد و به ضعف و سستی مفرطی دچار می‌گردد.

همینطور مرحلهٔ شیرخوارگی فرزند دوران حضانت و تربیت وی یکی دیگر از مراحل سخت و

✓ اغلب

مشکلاتی که

امروز در زندگی

زناشویی افراد

وجود دارد،

زائیدهٔ این جا به

جایی و نتیجهٔ

سلب نقش

مدیریت مرد در

خانه می‌باشد.

مهم زندگی مادر است که اکثر وقتش را به خود اختصاص می‌دهد. مادر، در این دوران ضمن تغذیه کودک از وجود خویش، باید اکثر وقتش را در مواظبت و حفاظت فرزند دلبندش بگذارد، بیداری شبها و سختی روز را تحمل نماید، حرکات کودکش را قدم به قدم بیاید، نظافت و بهداشت وی را شدیداً زیر نظر داشته باشد و جهت رشد جسمی، فکری، روحی کودک از هیچ کوششی دریغ نرزد.

اکنون با توجه به گذراندن مراحل فوق در زندگی زن و وجود مسئولیتها و رنجهای سنگینی که فطرتاً و طبعاً بر عهده وی می‌باشد، چگونه ممکن خواهد بود وی را در امر سنگین و پر مسئولیت اداره و مدیریت خانواده نیز بکشانیم و بر مشکلات و رنجهایش بیفزائیم.

تجزیه و تحلیل مدیریت مرد از دیدگاه روانشناسی:

دکتر «اوگست فوریل» در تحلیلی روانشناسانه درباره مدیریت مرد در خانه به نتیجه بسیار مهمی دست می‌یابد و آن اینکه حمایت مرد از زن در زندگی خانوادگی، مهمترین عامل استقرار کانون خانواده و خوشبختی زن در زندگی زناشویی وی می‌باشد.

وی می‌گوید: این احساس زن که در پناه شوهرش می‌باشد، اثرات عمیقی بر عواطف و احساسات محبت‌آمیز و عاشقانه‌اش دارد، زمانی زن خوشبختی را در زندگی احساس می‌کند که برای شوهرش همواره احترام قایل شود و برخوردش با وی محترمانه باشد، بخصوص اینکه زن به وجود برتریهایی نظیر قدرت بدنی، شجاعت، فداکاری و یا هر صفت و امتیازی که بتواند برای زن الگو باشد، در شخصیت شوهرش معترف بوده و با دید تعظیم و احترام به وی بنگرد. در غیر این صورت دبیری نخواهد پائید که تسلط و سیطره غیر فطری زن بر مرد غالب خواهد شد و یا اینکه تنفر و بی‌رغبتی بر زندگیشان سایه خواهد افکند. و بدیهی است که مدیریت زن به هیچ وجه نمی‌تواند سعادت زندگی زناشویی را همراه داشته باشد زیرا مدیریتی است غیر فطری و غیر طبیعی.^(۱)

✓ زمانی
زن خوشبختی را
در زندگی
احساس می‌کند
که برای
شوهرش همواره
احترام قایل شود
و برخوردش با
وی محترمانه
باشد.

تحقیقات و مصاحبه‌هایی که با دختران در آمریکا و کشورهای اروپائی به عمل آمده است، بیانگر این امر است که خانمها میل دارند با شوهرانی زندگی کنند که اداره خانواده را بر عهده داشته باشند و آرامش و سکون را در زندگی زن فراهم کنند.^(۲)

مدیریت مرد در خانه سبب سلب شخصیت زن نمی‌شود:

این نکته قابل توجه است که مدیریت مرد در خانه به هیچ وجه موقعیت اجتماعی و مدنی زن را به خطر نمی‌اندازد، آن گونه که استاد شهید سید قطب می‌فرماید: «مدیریت و سرپرستی و وظیفه‌ای در کانون خانواده است که باید جهت اداره چنین بنیاد مهمی و حفاظت و نگهداری از آن، کسی عهده دار آن شود، و پیداست که اختصاص دادن برخی از ارزشها و مسئولیتها به بعضی از افراد در چنین مؤسسه و بنیادی، نه شخصیت شرکاء را از بین می‌برد و نه موجب تضییع حقوقشان می‌باشد.^(۳)

در پایان؛ باید توجه داشت که برنامه الهی در اداره کانون خانواده که گرانباترین عناصر جهان یعنی فرزندان در آن پرورش می‌یابند، فطرت و استعدادهاى زن و شوهر را در نظر گرفته است تا هر یک بر حسب خلاقیتها و توانمندیهای فطری و سرشتی خویش، وظیفه‌ای را که برای آن خلق شده است انجام دهد و روشن است که عدالت و انصاف نیز مقتضی آن است تا مرد طبق ویژگیهای بدنی، عصبی، عقلی و روحی خویش که در ژرفنای تک تک سلولهای بدنش وجود دارد و با خمیره نخستین سلول بدنش آمیزش یافته است، انجام وظیفه نماید و همینطور زن نیز زمانی می‌تواند مسئولیتهای خویش را به نحو احسن انجام دهد که طبق خصوصیات عصبی، عقلی و روحی خویش حرکت کند.

...ادامه دارد

۱- ماذا عن المرأة، دکتر نورالدین هنر، ص: ۱۱۵.

۲- به نقل از کتاب (مشكلات المرأة فی البلاد العربية).

۳- فی ظلال القرآن، ترجمه دکتر مصطفی خرم‌دل: ۱۰۲/۳.